

گفت و گو با مریم جلالی، دبیر علمی پانزدهمین جشنواره شعر فجر

می خواهیم که شاعران را بشنوید

گروه فرهنگی/ انتخاب دیر هنگام دبیر جشنواره شعر بیشتر از همیشه خیر ساز شد. هر چند «مریم جلالی» نام ناشانی برای شاعران محسوب می شود اما خلاف آمد این انتخاب وزیر می تواند بهانه ای برای انجام گفت وگویی مشروح با او باشد. اگر چه پس از هر انتخاب، صفی از موافقان و مخالفان به میدان می آیند اما شاید از پس چهارده دوره حضور حداقلی زنان که صرفاً به هیأت های علمی و ترکیب داورى محدود می شد، باید از این تمایز در انتخاب استقبال کرد؛ پیش از این در شش دوره ای که بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایران این تولیت جشنواره شعر فجر را بر عهده داشته است «اسماعیل امینی»، «محمد کاظم کاظمی»، «جواد محقق»، «بهمن ساکی» و «سعید بیابانکی» در مقام «دبیر علمی» ایفای نقش داشته اند و انتظار می رود «مریم جلالی» با توری کار نامه شش دوره قبل، گفت وگویی صمیمانه تر با مخاطبان خویش داشته باشد.

■ **انتخاب دبیر علی القاعده تبلور تمام رخ جشنواره و تأکیدی بر پیستی و چرایی و چگونگی آن دوره خواهد بود.** انتخاب «مریم جلالی» بیش از هر چیز مؤید رویکرد علمی و در ادامه ارتباط بخشی شعر به عنوان یک «هنر-علم» با جامعه مخاطب است. آیا این انتخاب با درک و دریافت شما از موقعیت شعر امروز و مسئولیتی که برای جایزه باید متصور بود، تطابق دارد و چگونه خود را در این فرصت کم با مخاطبان مرتبط خواهید کرد؟

خوشبختانه در عصری زندگی می کنیم که فاصله های فیزیکی تعیین کننده میزان ارتباطات نیست و شبکه های اجتماعی اطلاعات زیادی را از افراد و فعالیت هایشان در اختیار می گذارند. مفهوم جدایی با پیوند هنر و علم نیز وابسته به شخصیت حقیقی افراد نیست و ملاک آن با قضاوت های فردی تعیین نمی شود. در اینجا هم قصد ندارم نگاه هایدگری را پر دازش کنم. در مجموع در جشنواره شعر فجر، هر دو موضوع یعنی علم و هنر در خدمت یک کنش قرار دارند یعنی جشنواره شعر فجر. جشنواره با داشتن دبیر اجرایی خوش ذهن و با سابقه همچنین اعضای هیأت علمی حرفه ای که در دانش و تجربه خصوصاً در حوزه شعر نام آشنایند، ارتباطش را با مخاطبان حفظ خواهد کرد و برنامه دقیق خود را در سه بخش شعر بزرگسال، شعر کودک و نوجوان و درباره شعر، طبق آیین نامه پیش خواهد برد. فی نفسه جشنواره شعر فجر متعلق به مخاطبان است و روی تمام رخ اعضای گروه که با وجود شرایط سخت کرونایی و محدودیت های حضور، میدان را خالی نگذاشتند و از راه دور و نزدیک برای پیشبرد جشنواره شعر فجر یاری رساندند، قطعاً به سمت مخاطب است. در واقع توان علمی و اجرایی یک گروه است که نتیجه بایسته و شایسته را به مخاطب اعلام می کند.

■ **شاید برای بسیاری از مخاطبان این دوره از جایزه شعر فجر میزان پویایی و جویایی شما در جریان شعر امروز مهم باشد.** همچنان که می دانید آن چه به عنوان ادبیات و بویژه ادبیات خلاقه امروز در دانشگاه تدریس می شود با ادبیاتی که در متن جامعه وجود دارد، تناسبی ندارد و دانشگاه نمی تواند داعیه ترویج و توسعه آن را داشته باشد. این دوگانگی را چگونه می خواهید پوشش دهید و اعتماد سازی کنید؟

سؤال شما صرفاً یک یا دو سؤال نیست؛ مجموعه سؤال است. تردیدی نیست که ترویج و توسعه شعر فارسی به شکل جدید، مدیون و مرهون ذهن و زبان قدرتمند شاعران امروزی است. نگاهی اجمالی به جریان گونه های شعر نو این امر را ثابت می کند. شعر حجم، شعر ناب، اشعاری که با تلفیق تحول شعری و تحول اجتماعی به صورت موج سوم نمود پیدا کردند، اشعاری که مبین ساختار شکنی ها، معناگریزی ها و چندصدایی ها هستند و خود را به دست خواننده مخاطبان سپردند، شعر فرا نو که خودم به طنز آن را «نیوسعدیسیزم» نامیده ام، همه دستاورد شاعران بزرگ این مرز و بوم است. اما درباره ارتباط این ماجرا با دانشگاه؛ اگر سطح گویای همکاران دانشگاهی از میزان پویایی و جویایی شعر امروز برای گروهی مبهم است، نگاهی گذرا بر آثار دانشگاهی و پژوهش ها اعم از مقاله و کتاب همچنین پایان نامه ها و رساله هایی که محققان و دانشجویان در سال های متعددی و مستمر با موضوعیت شعر معاصر انجام داده اند، می تواند گویای این نکته باشد که در دانشگاه ها چه می گذرد؛ مرورش زحمت چندانی ندارد؛ جدای آنچه در ابتدا عرض کردم حتی گونه هایی که از منظر جایگاه ادبی در محل تردید قرار دارد در بین افشار دانشگاهی مغفول نمانده است. برای مثال در مورد «ترانه ها» که اهل ادب نگاه های متفاوتی به آن دارند، نزدیک به یکصد پایان نامه کار شده و گاه پژوهشگر ماها و سال ها برای رسیدن به نتایج مطلوب بر این کار متمرکز شده است. بنابراین ملاک ارزیابی وضعیت دانشگاهی، صرفاً مباحث آموزشی نیست هر چند، بخش آموزش نیز هرگز در چارت درسی نادیده گرفته نشده است. از طرفی فعالیت های فرهنگی در حوزه شعر و ادب، دعوت از شاعران نام آشنا و برگزاری کارگاه های ادبی توسط بزرگان این حوزه، همیشه مخاطبان دانشگاهی خود را داشته است. بر اساس آنچه عرض کردم با پیش رفتن شما مخالفم و نمی دانم این قضاوت از کجا حاصل شده که «آنچه به عنوان ادبیات امروز در دانشگاه تدریس می شود نمی تواند داعیه ترویج و توسعه ادبیات را داشته باشد».

خلاف دیگر جشنواره های هنری، صرفاً یک دبیر به جمع مدیریت اجرایی جشنواره افزوده می شود و آن چه که از آن به عنوان «تیم مستقل» یاد می شود و در اتفاقات هنری مرسوم و معمول است دیده نمی شود. در واقع می خواهم بگویم که وزن «دبیر اجرایی» از نقل و سنگینی بیشتری برخوردار است و عملاً دبیر علمی در چترنه شیوه نامه ها محدود و محصور است؟

دبیر علمی جشنواره در شعر فجر تعریف خاص خودش را دارد. دبیر علمی به صورت پیوسته از صفر تا صد جایزه با دبیر اجرایی، دبیر خانه و بخش های دیگری که در برگزاری جایزه دخیل هستند، تعامل دارد و البته که این تعامل به هیچ وجه مانع اختیارات و وظایف مستقل گروه نخواهد شد. دبیر علمی علاوه بر وظایف کلی و راهبردی ای که دارد به عنوان یکی از اعضای هیأت علمی جایزه در انتخاب داوران بخش های مختلف تأثیر مستقیم می گذارد چون اختصاصاً درباره دبیر اجرایی پرسیدید اگر نظر شخصی بنده را بخواهید، معتقدم عملکرد یک دبیر اجرایی خوب با برنامه ریزی منسجم، کلید اصلی موفقیت جشنواره فجر است. تمثیلی در زبان



ملاک ارزیابی وضعیت دانشگاهی، صرفاً مباحث آموزشی نیست هر چند، بخش آموزش نیز هرگز در چارت درسی نادیده گرفته نشده است. نمی دانم این قضاوت از کجا حاصل شده که «آنچه به عنوان ادبیات امروز در دانشگاه تدریس می شود نمی تواند داعیه ترویج و توسعه ادبیات را داشته باشد».

نتیجه داورى همیشه مطلوب دوستان نیست و رضایت همه مخاطبان را جلب نمی کند. ممکن است شاهد عکس العمل های دور از انتظار هم باشیم. اما بد نیست بدانیم دقیقاً در همین نقطه، تفاهم و گفتمان فرهنگی معنادار می شود. در سیر رسیدن به نتایج، پیشنهاد، انتقاد و گفت و گو نیز پیش خواهد آمد.

■ **شما صرفاً یک یا دو سؤال نیست؛ مجموعه سؤال است.** تردیدی نیست که ترویج و توسعه شعر فارسی به شکل جدید، مدیون و مرهون ذهن و زبان قدرتمند شاعران امروزی است. نگاهی اجمالی به جریان گونه های شعر نو این امر را ثابت می کند. شعر حجم، شعر ناب، اشعاری که با تلفیق تحول شعری و تحول اجتماعی به صورت موج سوم نمود پیدا کردند، اشعاری که مبین ساختار شکنی ها، معناگریزی ها و چندصدایی ها هستند و خود را به دست خواننده مخاطبان سپردند، شعر فرا نو که خودم به طنز آن را «نیوسعدیسیزم» نامیده ام، همه دستاورد شاعران بزرگ این مرز و بوم است. اما درباره ارتباط این ماجرا با دانشگاه؛ اگر سطح گویای همکاران دانشگاهی از میزان پویایی و جویایی شعر امروز برای گروهی مبهم است، نگاهی گذرا بر آثار دانشگاهی و پژوهش ها اعم از مقاله و کتاب همچنین پایان نامه ها و رساله هایی که محققان و دانشجویان در سال های متعددی و مستمر با موضوعیت شعر معاصر انجام داده اند، می تواند گویای این نکته باشد که در دانشگاه ها چه می گذرد؛ مرورش زحمت چندانی ندارد؛ جدای آنچه در ابتدا عرض کردم حتی گونه هایی که از منظر جایگاه ادبی در محل تردید قرار دارد در بین افشار دانشگاهی مغفول نمانده است. برای مثال در مورد «ترانه ها» که اهل ادب نگاه های متفاوتی به آن دارند، نزدیک به یکصد پایان نامه کار شده و گاه پژوهشگر ماها و سال ها برای رسیدن به نتایج مطلوب بر این کار متمرکز شده است. بنابراین ملاک ارزیابی وضعیت دانشگاهی، صرفاً مباحث آموزشی نیست هر چند، بخش آموزش نیز هرگز در چارت درسی نادیده گرفته نشده است. از طرفی فعالیت های فرهنگی در حوزه شعر و ادب، دعوت از شاعران نام آشنا و برگزاری کارگاه های ادبی توسط بزرگان این حوزه، همیشه مخاطبان دانشگاهی خود را داشته است. بر اساس آنچه عرض کردم با پیش رفتن شما مخالفم و نمی دانم این قضاوت از کجا حاصل شده که «آنچه به عنوان ادبیات امروز در دانشگاه تدریس می شود نمی تواند داعیه ترویج و توسعه ادبیات را داشته باشد».

شعر فجر عدم تدارکات حرفه ای دبیرخانه ای و هیجانات رسانه ای است. در این دوره علاوه بر تأخیر در انتخاب و معرفی دبیر - بنا به مبهم بودن افق محدودیت های کرونایی - نوعی سکوت سکون متأثر از شیوع بیماری کرونا نیز در اضلاع اجتماعی به چشم می خورد که به ناگزیر در فرآیند شعر فجر مؤثر خواهد بود. حتماً برای نشاط بخشی و هیجان آفرینی تمهیداتی اندیشیده اید که برای مخاطبان شعر فجر قابل توجه خواهد بود...

فضای مجازی در شرایط فعلی فرصت ساز بوده است. با شیوع بیماری کرونا نیاز است به گونه ای عمل کنیم که هم از قوانین وضع شده و رعایت پروتکل ها عدول نشود و هم بتوان نشاط همیشگی را در جشنواره حفظ کرد. دبیرخانه جشنواره و متولیان بخش اجرایی در هفته های منتهی به اختتامیه جشنواره، تلاش دارند تا محفل های شعرخوانی شعر فجر را که هر ساله به صورت حضوری در شهرهای مختلف و با مشارکت شاعران جوان و پیشکسوت برگزار می شده به شکل مجازی برگزار کنند. به علاوه با طراحی های انجام شده در بخش ویژه جشنواره شعر فجر تلاش داریم به جز شاعران صاحب کتاب در جشنواره، چهره های برتر شعر دفاع مقدس به انتخاب اهالی رسانه نیز در این رویداد سهم باشند و امیدواریم نتایج حاصل، موجب کاهش بار منفی شرایط کرونایی بر جشنواره شود.

■ **فجر در به عنوان دبیر در تصمیم گیری های جشنواره شعر فجر نقش دارد و می توانید ایده های خود را به اجرا برسانید؟ این پرسش از این رو اهمیت دارد که در جشنواره شعر فجر بر**

دقیقاً در همین نقطه، تفاهم و گفتمان فرهنگی معنادار می شود. در سیر رسیدن به نتایج، پیشنهاد، انتقاد و گفت وگو نیز پیش خواهد آمد. ■ **انتظار می رود در این دوره در شیوه قضاوت و تصمیم بخشی از داورى به مخاطبان و در نظر گرفتن سهمی از جایزه به خود شاعران، تغییرات و تمایزاتی ایجاد شود.** آیا شاهد چنین بهبودی خواهیم بود؟

جشنواره شعر فجر در بخش اجرایی برنامه ای منسجم دارد و مانند سال های گذشته اعضای هیأت علمی به کمک کمیته داوران که تعداد قابل ملاحظه ای هستند و اشراف تجربی و علمی دارند به شکل گروهی آثار را بررسی خواهند کرد و تلاش دارند نتایج نهایی را به بهترین صورت اعلام کنند و البته تأکید می کنم سال های گذشته نیز اینگونه بوده است.

■ **آخرین پرسش را به دو موضوع مهم بهره مندی جشنواره شعر فجر از ظرفیت بین المللی ادبیات و توجه به شعر مهاجرت اختصاص می دهم.** در دیگر جایزه های شعر فجر تعریف بین الملل الزاماً کشورهای همسایه و هم زبان نیست و جدی ترین و سودمندترین بخش رویدادها همین تبادلات بین المللی گروه ها و هنرمندان است که نمونه آن را در جشنواره های سینما، تئاتر و تجسمی می توان مطالعه مرور کرد. مسأله ای با اهمیت که همواره در جشنواره شعر فجر به عنوان بخشی تئزینی به آن نگریسته شده است. در حوزه شعر مهاجرت نیز باید

بپذیریم که بخشی از توان و توشه شعر امروز به هر دلیل در فرامرزهای سرزمینی واقع شده است که تخصص بخشی از جایزه به مهاجران شاعر و شعر مهاجرت می تواند ضمن اعتماد سازی به جهانی سازی شعر فجر کمک کند.

ضرورت تمرکز بر بین المللی شدن جشنواره شعر فجر با توجه به ماهیت غنی شعر فارسی و گستره کاربردی آن در سطح جهانی، کتمان ناپذیر است. اتفاقات به این امر در جهانی سازی شعر فجر بسیار مهم است و به نوعی محدودیت های مرزی از بین خواهد رفت. امیدواریم با توجه به سیاست های توسعه فرهنگی، زودتر محقق شود. ■ **زیرکانه از بخش شعر مهاجرت عبور کردید و آن را بدون پاسخ باقی گذاشتید.** امیدواریم این دوره از جشنواره شعر فجر با تأکید بر غیر دولتی بودن جایزه و اعتنا به مخاطبان در همه اضلاع رویداد، خوش بدرخشد.



نجمه دری
دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

چرا باید از ارتباط شعر و دانشگاه استقبال کنیم

دانشگاه و اریکه ملک الشعرایی شعر

اتفاق مبارکی است سنجش شعر در بوته نقد دانشگاهیان با رویکردی روزآمد. شعر عالی ترین تجسم انتزاعی کلام است که در بیکران خلاقیت گام به گام انسان، مراتب کمال را پیموهه است. منشأ و مولد دیدگاه نقادانه نسبت به این هنر دلپذیر را نمی توان به زمان، مکان یا قومی خاص محدود و منحصر کرد. هر چند مرسوم است در تشخیص بوطیقای شعر و تدوین نخستین گونه های طبقه بندی آن، مانند بسیاری علوم دیگر، یونانیان باستان و بلاخص ارسطو و فن شعر او را پیشگام بدانند. از آن روزگاران تاکنون عروس هزار چهره شعر در هر زبان و فرهنگی جلوه کرده و عشاق سینه چاک بسیاری داعیه سروری و پادشاهی بر این اقلیم پهناور را در سر داشته اند. هر یک از ایشان به فراخور حال خود در این میدان کمیتی رانده اند. گاه که بخت با آنها یار بوده، بر اریکه ملک الشعرایی تکیه زدند و همچون عنصری بر سفره ای از ظروف زرنگار نشستند و گاه از بخت نامراد در حصار نای همچون مسعود سعد سلمان، ده ها سال، دُرِ نظم را با مروارید اشک و خون دل پرورده اند. الهه شعر یا به پای علوم و فنون دیگر در طول تاریخ زندگی بشر در تکامل معنوی و بالاش فکری او تأثیر داشته است خواه در قالب سروده های حماسی و رزم نامه ها، خواه با نوای تغزل و ترانه ای در هیأت پند و حکمت. در گوشه و کنار کتابخانه ها و مراکز دانشگاهی استادان و دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی دیدگاهی است که با این مجموعه عظیم محشورند و از خرمن مواهب بی شمارش خوشه ها چیده اند. حالیا اتفاق مبارکی است ورود روشنفکران سخن پرداز در گرماگرم جریانات اندیشگانی نسلی که چشم به دهان ایشان دوخته اند. در روزگاری که جهانیان پوشش عظیمی را آغاز کرده اند که به موجب آن خواهان برداشتن حصارهای اطراف دانشگاه ها هستند، تا پاسداران دانش فارغ از دیوارها و بدون واسطه ها در متن جامعه عرض اندام کنند، برگزاری جشنواره هایی همچون جشنواره شعر را باید به فال نیک گرفت. همسویی و هماهنگی دانشگاه و دانشگاهیان و دعوت از ایشان برای ورود به این عرصه خطیر نیز اتفاق همایون دیگری است؛ چرا که دیر زمانی است دانشگاه ها بویژه در حوزه علوم انسانی و ادبیات متهم به سرکوب خلاقیتند و در این سال ها کمتر شاهد شکوفایی ادبی و نقش مؤثر دانشگاه در حوزه های جریان ساز شعر معاصر بوده ایم. نگرشی آسیب شناسانه به این حقیقت توجه به برخی تغییرات اساسی در ساماندهی جشنواره ها و ورود استادان علم و ادب در عرصه فعالیت های جاری ادبی را خاطرنشان می کند. این فرآیند مدتی است با حضور استادان جوان و صاحب ذوق در برخی کرسی های دانشگاهی آغاز شده است و گام مثبت و مفیدی در راستای پیوند هر چه بیشتر جامعه و دانشگاه محسوب می شود. دانشگاهی که پویا و همسو با جریانات جامعه نباشد محکوم به تکرار پیبوده مرده رنگی است که هر چند بالقوه ارزشمند است ولی اگر چنانچه به مدد اتصال با نبض پویای جوامع به نسل های بعد منتقل نشود، کالبد پیر و محتضری است و هر لحظه مستعد فروپاشی است.

یکی دیگر از اقدامات مؤثری که در این خصوص انجام شده ایجاد گرایش های تخصصی در مقطع کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی در سال های اخیر است. برخی از این گرایش ها مانند گرایش نقد و نظریه ادبی، نگارش و ویرایش متون، ادبیات کودکان و نوجوانان، ادبیات پایداری یا فرهنگ و ادبیات عامه، با موضوعات جدید و جریان ساز جامعه، ارتباط تنگاتنگ دارند. سنجش آثار و توجه به آفرینش های ادبی یا وجود عناوین درسی چون جامعه شناسی ادبیات، کارگاه شعر و داستان، کارگاه های نقد و نظریه ادبی، تاریخچه نقد، ادوار شعر فارسی، ادبیات تطبیقی و آشنایی با انواع ادبی نوظهور در جهان، دانش های بینارشته ای و.. فضای بسیار مناسبی در اختیار استادان صاحب ذوق و دانشجویان علاقه مند قرار می دهد که بواسطه آن پیوند بیشتری بین آموخته های تئوریک و برداشت های کاربردی از ادبیات برقرار کنند. در چنین فضای انعطاف پذیری که قابلیت توسع فعالیت ها و همسویی با جریانات فراهم باشد، دانشگاه محل و موجب شکوفایی استعدادها خواهد بود. در سایه این رخدادهای مبارک امیدواریم شاهد بالش و رویش استعدادهای ادبی و اجرای رقابتی علمی و منصفانه در سایه همکاری شانه به شانه بدنه علمی دانشگاه ها با ارگان های مرتبط باشیم.

بلبل عرشدن سخن پروران
باز چه مانند به آن دیگران
چرده رازی که سخن پروری است
سایه ای از پرت پیغمبری است
پیش و پسی به ستف صف کبریا
پس شعر آمد و پیش انبیا
این دو نظر محرم یک دوستند
این دو چو مغز آن همه چون پوستند.

از جشنواره شعر فجر بنویسم

به صورتی مطلوب تر از امروز

آهای جشنواره شعر فجر! حالت چطور است؟ جشنواره شعر فجر، چرا این طوری است؟ چرا مثل جشنواره فیلم فجر نیست که شور و هیجان داشته باشد و بازتاب خبری داشته باشد؟ اصلاً فرش قرمز و طراح لباس و انبوه دوربین ها و میکروفن های خبرنگارهایش کجا هستند؟ به نظر من، جشنواره شعر فجر نیاز ی به این کارها ندارد همچنان که خود شعر نیز هنری است که چندان با نمایش و عکس و خبر و هیجان تناسب ندارد. بویژه شعری که در کتاب عرصه می شود آن هم نه کتابی که به خاطر دخالت عوامل غیر شعری و بازی های تبلیغاتی تیتیر خبرهای هیجانی شود. چند سالی است که جشنواره شعر فجر، به جای انتخاب چند شعر از میان اشعار ارسالی به جشنواره، تمام کتاب های منتشر شده طی سال را در معرض داورى قرار می دهد بنابراین تمام کارنامه شعری کشور در جشنواره حاضر است، اما این به آن معنا نیست که نتایج داورى لزوماً رضایت همگان را جلب کند یا هیچ قابل نقد نباشد. به نظر من حالا که این موقعیت فراهم است، اگر علاوه بر کتاب های برگزیده در بخش اصلی، چند مرجع داورى دیگر نیز از دیدگاه خود کتاب برگزیده شان را معرفی کنند، جشنواره شعر فجر، فراگیرتر



اسماعیل امینی
شاعر و مدرس دانشگاه

بیشتری خواهد داشت و بتدریج به جایگاه جشنواره ملی شعر کشور دست خواهد یافت. مثلاً کتاب شعر برگزیده به انتخاب استادان ادبیات، کتاب شعر برگزیده به انتخاب دبیران نشریات ادبی، کتاب شعر برگزیده به انتخاب ناشران کتاب های ادبی و...

جشنواره شعر فجر از دوره نهم، به جای بررسی چند شعر از شاعران شرکت کننده، کتاب های برگزیده شعر و درباره شعر را معرفی می کند. این شیوه، البته برای چهره های مشهور فضای مجازی، چندان خوشایند نیست، چون به گمان آنها هر کس در فضای مجازی، اسم و رسمی ندارد، چندان اهمیتی ندارد چون مانند آنها مشهور نیست و طرفدار پرشمار و پرشور ندارد. به نظر من جشنواره شعر فجر یک نقطه آسیب بزرگ دارد و آن اتکا به مدیریت و منابع مالی و اجرایی حاکمیتی است. اگر شرایط فراهم شود که با جلب مشارکت دوستداران ادبیات، تکیه گاه هایی مطمئن، با ثبات و متخصص بیابد، حتماً به صورتی مطلوب تر از امروز برگزار خواهد شد.